موضع منفی جان کربی نشان داد نیاز نیست تا انتخابات آبان منتظر کاخ سفید باشیم

هدیه روز اول: واقع‌گرایی

■ عباس عراقچی مهم‌ترین گزینه وزارت خارجه دولت پزشکیان است

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

درحالی‌که برخی جناح‌های سیاسی سعی داشتند با روی کار آمدن دولت پزشکیان سیاست ایران و کشورهای غربی در مقابل یکدیگر دچار تحول شود، پیام‌های سیاسی رد و بدل شده در چند روز اخیر اما ثابت کرد واقعیت‌ها همیشه آن‌طور رقم نمی‌خورد که نگاه فانتزی‌گرایانه آن را انتظار می‌کشد. روز گذشته مسعود پزشکیان در پیامی خطاب به سید حسن نصرالله، ضمن تقدیر از وی اعلام کرد حمایت از جبهه مقاومت با قدرت تداوم خواهد یافت. امروز نیز جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا خطاب به خبرنگاران که از او در مورد رابطه آمریکا با دولت جدید ایران پرسیده بودند، گفت: «ما فقط براساس این واقعیت که آنها رئیس‌جمهور جدیدی را انتخاب کرده‌اند، تمایلی به بازگشت به میز مذاکره با ایران نداریم. نظاره‌گر این هستیم که این مرد چه خواهد کرد. با این حال ما انتظار هیچ تغییری را در رفتار ایرانیان نداریم.» این پیام‌ها نشان می‌دهد این میدان واقعیت است که به مراودات سیاسی جهت می‌دهد. در ادامه به سراغ کارشناسان روابط بین‌الملل رفته‌ایم تا به بررسی نسبت «تغییر رئیس‌جمهور» با «تغییر کلان راهبردهای سیاست خارجی ایران» بپردازیم. برخی از کارشناسان معتقدند سیاست خارجی ایران در این دوره تغییر جهت زیادی نیافته و نهایتا چهره‌های باسابقه در دولت دوازدهم سکان هدایت را برای حرکت در همان جهت‌های پیشین در دست می‌گیرند. در این میان نام عباس عراقچی بیشتر از بقیه به‌عنوان گزینه محتمل برای تصدی کرسی وزارت خارجه شنیده می‌شود. فردی که در دولت روحانی به‌عنوان معاون سیاسی مدتی مسئولیت تیم مذاکره‌کننده ایران را برعهده داشت، ممکن است این بار در قامت وزیر خارجه تاکتیک‌های پیاده‌سازی کلان راهبردهای ایران را طراحی کند.

امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: رفتار آمریکا با ایران با تغییر افراد دچار تحول نمی‌شود

برای بررسی دو پیام مهم مرتبط با سیاست خارجی ایران یعنی «حمایت پزشکیان از جبهه مقاومت در نامه به سید حسن نصرالله» و «عبارت به‌کاربرده‌شده توسط جان کربی، هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی ایالات متحده مبنی بر عدم مذاکره با ایران» با امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. ابوالفتح معتقد است مواجهه آمریکا با ایران صرفا با تغییر افراد تغییر نمی‌کند؛ چراکه این کشور به دنبال این است رفتار ایران را مطابق با خواست خود تغییر دهد و حتی با تغییر رفتار نیز تضمینی برای این تغییر مواجهه به وجود ندارد.

تغییر رئیس‌جمهور تاثیری در مواجهه آمریکا با ایران ندارد

امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در مورد تاثیر تغییر رئیس‌جمهور در راهبردهای سیاست خارجی ایران معتقد است: «من پیش از انتخابات هم معتقد بودم فرقی نمی‌کند که در ایران کدام یک از آقایان جلیلی و پزشکیان رئیس‌جمهور شوند. تنش‌ها در روابط ایران و آمریکا به قوت خودش باقی می‌ماند و تحریم‌ها لغو نمی‌شود. مشکل آمریکا با ایران که صرفا شخصیت‌ها و آدم‌ها نیستند. در ساختار سیاسی ایران رئیس‌جمهور حرف تعیین‌کننده و نهایی را در سیاست خارجی نمی‌زند. حتی در مورد جایگاه رهبری نیز همین‌طور است. از ابتدای انقلاب تاکنون ایران دو رهبر داشته اما رویکرد آمریکا تغییر نکرده است. بعد از ارتحال امام هم شاهد تغییر رویکرد آمریکا نبودیم و در ادامه نیز همین‌طور است؛ چراکه آمریکایی‌ها به گفته خودشان با رفتار ایران مشکل دارند و تا زمانی رفتار ایران منطبق با خواست و اراده آمریکا تنظیم نشود، تحریم‌ها بر سرجای خود باقی مانده و افزایش نیز پیدا می‌کنند. فرقی نمی‌کند در انتخابات ایران پزشکیان برنده شود یا جلیلی یا قالیباف. رفتاری که با روحانی شد، با رئیسی هم تکرار شد و جابه‌جایی وزرای خارجه ایران هم تاثیری در آن نداشت. خیلی فرق نمی‌کند چه کسی مذاکره‌کننده باشد. نکته جالبش این است مقامات آمریکایی خیلی راحت و بدون رودربایستی به خبرنگاران می‌گویند برایشان مهم نیست پزشکیان یا فرد دیگری انتخاب شود، ما به میز مذاکره برنمی‌گردیم و دیپلماسی را زمانی مدنظر قرار می‌دهیم که منافع آمریکا تامین شود.»

آمریکا برای تحریم کردن برنامه دارد، برای برداشتن نه

او در ادامه خواسته‌های آمریکا از ایران را این‌گونه تشریح می‌کند: «اینکه آمریکایی‌ها چه انتظاری از ما دارند را به‌طور شسته‌رفته مایک پمپئو در سال ۲۰۱۸ مطرح کرد و شروط ۱۲گانه‌ای نیز قرار داد که اگر ایران مطابق آنها عمل کند به کشوری نرمال در روابط خارجی آمریکا تبدیل شده و رابطه‌اش با جهان عادی می‌شود. این حرف هم صرفا حرف پمپئو، وزیرخارجه جمهوریخواه وقت آمریکا نیست. این خواسته حاکمیتی در آمریکاست. این شروط حداقلی‌ترین شروطی است که نظام سیاسی آمریکا از ایران مطالبه می‌کند. دموکرات‌ها هم همین را دنبال می‌کنند و چه بسا بخواهند چند شرط هم به آن اضافه کنند. آمریکا یک سری شروط دارد که این شروط باید محقق شود. محقق نشود، تحریمی لغو نمی‌شود. خیلی وقت‌ها شروط نیز محقق شده و آمریکا تحریمی را برنداشته است. صدام حسین که سرنگون شد، ۶-۷ سال طول کشید تا تحریم‌های عراق را برداشت، درصورتی‌که کل عراق در اختیار آمریکایی‌ها بود. اصطلاحی است که می‌گوید وزارت خزانه‌داری آمریکا برای خلق تحریم ساخته شده ولی اصلا بلد نیست چگونه تحریم‌ها را بردارد. ظرف ۴۸ ساعت تحریمی را اعمال می‌کنند اما پس از چندماه بررسی شاید نتوانند آن را لغو کنند. این حرف خودشان است. مقامات آمریکایی می‌گویند که وزارت خزانه‌داری اصلا برای برداشتن تحریم آموزش ندیده است. از این جهت خیلی نمی‌شود امیدوار بود.»

آمریکا به دنبال مقصرنمایی ایران است

ابوالفتح در ادامه در مورد اینکه آیا صحبت‌های جان کربی در مورد اینکه «آمریکا منتظر مشاهده رفتار دولت جدید ایران است» را می‌شود پیامی به دولت چهاردهم برداشت کرد، می‌گوید: «آنها می‌دانند رفتار ایران چیست. این هم حرف جدیدی نیست که می‌گویند باید رفتار ذاتی ایران تغییر کند. آنها می‌خواهند تقصیر را بیندازند گردن ایران. اگر تحریم وضع می‌شود ایران مقصر است، اگر آمریکا از برجام خارج می‌شود، ایران مقصر است و اگر تحریمی هم برداشته نمی‌شود، ایران مقصر است. همه را می‌خواهند بیندازند گردن ایران. بعد هم می‌گویند من اگر بخواهم کاری بکنم باید رفتار دولت ایران را ببینم، رفتار ایران هم تغییر نمی‌کند پس همیشه ایران مقصر است. به این ترتیب بابی هم باز می‌شود برای اینکه دولت ایران در داخل تحت فشار قرار گیرد که چرا کاری برای جلب رضایت آمریکا نمی‌کند. برای ثبت در تاریخ یا برای اینکه خبرنگاران به آنها گیر ندهند، می‌گویند منتظرند ببینند دولت ایران چگونه عمل می‌کند. درحالی‌که رفتار دولت ایران مشخص است و چیزی نیست که آمریکا از آن مطلع نباشد. قبل از اینکه کربی چنین اظهاراتی را مطرح کند آنها خودشان می‌دانستند اگر پزشکیان، جلیلی یا قالیباف انتخاب شوند، رفتار دولت ایران آن‌گونه‌ای که آمریکایی‌ها توقع دارند، عوض نمی‌شود.»

اروپا در برابر خواست آمریکا فاقد اراده است

مذاکره با کشورهای اروپایی ایده‌ای بود که برخی آن را به‌عنوان جایگزین مذاکره با آمریکا در نظر گرفته بودند. اکنون نیز با انتخاب دولت جدید ممکن است اگر آمریکا به میز مذاکره بازنگردد، برخی دولت چهاردهم را برای پیگیری مذاکرات از طریق اروپا تحت فشار قرار دهند. ابوالفتح در مورد اینکه این مسیر تا چه حد قابل تحقق است، می‌گوید: «جان مرشایمر که استاد تمام روابط بین‌الملل است در پاسخ به این سوال که آیا با بازگشت تحریم‌های آمریکا، اروپا قدرت مقاومت دارد، می‌گوید اروپا سگ دست‌آموز ماست. این جمله به این معنی است که اروپا اصلا استقلال عمل ندارد که برخلاف میل، اراده و خواست آمریکا عمل کند. آمریکا اراده کند ایران را تحریم کند، اروپا هم تبعیت می‌کند، حتی با هزینه‌های بسیار بالا. این تبعیت فقط در مورد ایران نیست. مثلا جنگ اوکراین هم هزینه زیادی را به اروپا تحریم می‌کند. میل و اراده ایالات متحده در جنگ نیابتی با اوکراین است. حالا این وسط اروپایی‌ها هزینه‌های اقتصادی بدهند، بحران‌های اجتماعی را متحمل شوند، آمار پناهجویان افزایش پیدا کند یا روند صنعتی شدن‌شان معکوس شود اصلا اهمیتی ندارد؛ چراکه اروپا در برابر خواست آمریکا فاقد اراده است.»

ابوالفتح البته مذاکره با اروپا را نفی نمی‌کند اما معتقد است بدون اراده آمریکا، اروپا اقدامی برای ایران انجام نمی‌دهد. ابوالفتح در این باره می‌گوید: «اینکه ما دوست داریم با اروپا مذاکره کنیم یک چیز است، اینکه اروپا اصلا جسارت و توانش را داشته باشد و در قواره‌ای باشد که بتواند با ایران کار کند، یک چیز دیگر است. اینکه تلاش کنند خوب است اما اینکه آمریکا می‌گوید من نمی‌خواهم تحریم‌ها را برگردانم و برخی کشورهای اروپایی بگویند می‌خواهند با ایران مراوده اقتصادی داشته باشند، ناشدنی است. آنها حتی ۱۰ سنت هم نمی‌توانند تبادل اقتصادی بدون اجازه آمریکا با ما داشته باشند. از این جهت خیلی امیدی به این قضیه نیست. حداکثر چند بیانیه صادر می‌کنند. تاکنون یک دلار نتوانسته‌اند مراوده با ایران داشته باشند. شش ماه دیگر هم اگر ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شود اوضاع بدتر خواهد شد.»

حمایت از مقاومت سیاست فراقوه‌ای ایران است

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل در مورد اینکه پیام پزشکیان به سید حسن نصرالله مبنی بر تداوم حمایت از جبهه مقاومت چگونه قابل تحلیل است و چه دیدگاهی از سیاست منطقه‌ای ایران به جهان ارائه می‌دهد، گفت: «کسانی که آشنایی با نظام سیاسی ایران دارند، مثلا مسئول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا یا اسرائیل می‌دانند فلسطین چه جایگاهی در نگاه ایران و چهره‌های حاضر در انتخابات دارد. اتفاقا پزشکیان خیلی صریح‌تر از سایر نامزدها چندین بار بر اجرای سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری تاکید کرد. بقیه نامزدها نه اینکه بخواهند در خارج از این چهارچوب عمل کنند اما به هرحال کمتر اشاره کردند. پزشکیان اما مدام نام مقام معظم رهبری را برد و بر سیاست‌های کلان تاکید کرد. خب، فلسطین یکی از سیاست‌های کلان است. توقع داشتند پزشکیان به سید حسن نصرالله جواب ندهد و بگوید از مقاومت حمایت نمی‌کند؟ پزشکیان سیاست‌های حمایتی از مقاومت را کمتر از رئیسی پیگیری نخواهد کرد، چون این مورد جز سیاست‌های فراقوه‌ای است.»

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل ژئوپلیتیک در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: احیای برجام مشکل است

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل ژئوپلیتیک در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به موضع‌گیری‌های تند جان کربی اشاره کرده و گفت که آمریکایی‌ها نسبت به سرعت گرفتن مذاکرات خوشحال هستند. او معتقد است گفت‌وگو با ترامپ آنچنان که تصور می‌شود، سخت و شکست‌آفرین نیست و دلیل این مساله را «بی‌حوصلگی ترامپ در طولانی کردن روند مذاکرات» و «معامله‌گر بودن» او دانسته است. در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مواضع جان کربی را جدی نگیرید

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل ژئوپلیتیک با اشاره به اینکه جان کربی همیشه موضع تندتری نسبت به وزارت خارجه و بلینکن و حتی وزارت دفاع و فرماندهان نظامی آمریکا می‌گیرد، گفت: «موضع او را خیلی نباید جدی گرفت. من مطمئنم آمریکایی‌ها از اینکه بالاخره احتمال گشایشی در گفت‌وگوها و سرعت دادن به آن می‌بینند، خوشحالند. قبلا هم سخنگویی در آمریکا ابراز امیدواری کرده بود که بتواند با دولت ایران گفت‌وگو کند. ضمن اینکه الان هم گفت‌وگوها ادامه دارد. اینکه چپ‌ها در اروپا قدرت بگیرند در سیاست ما و اروپا تاثیری ندارد. هفته گذشته همه وحشت کرده بودند که راست‌ها روی کار آمده‌اند و ظرف یک هفته ورق برگشت. البته در انگلیس وقتی حزب کارگر روی کار می‌آید برای ما بهتر است. چون راست‌های حزب محافظه‌کار تندتر برخورد می‌کنند و حزب کارگر ملایم‌تر است. این به نفع روابط ما و انگلیس است. در فرانسه این موضوع برعکس است. در فرانسه وقتی راست‌ها سرکار بودند، نسبت به چپ‌ها بهتر کار کردند. به‌طورکلی نمی‌توانیم بر اساس این دو تحول بگوییم روابط ایران و اروپا چه خواهد شد؟ ما بر اساس سیاست‌هایی که پزشکیان اعلام کرده باید همان روشی را پیش بگیریم که اولا به توافقی با غرب برسیم. یعنی باید گفت‌وگوها را ادامه داده و به آن سرعت دهیم. الان سه سال است که گفت‌وگو می‌کنیم. در زمان جنگ اوکراین وقفه‌هایی ایجاد شد؛ اما در کل نتیجه چندانی نگرفتیم. مثلا شش میلیارد دلار به کشور عربی فرستادند و چند زندانی آزاد شد. اما این که مشکل‌گشا نیست و اقتصاد، سیاست و ژئوپلیتیک ما را باز نمی‌کند. تورم ادامه پیدا کرده است. باید گفت‌وگوهای اصولی صورت بگیرد. تکرار و تجدید برجام مشکل شده و غرب هم باید این را بفهمد. خودشان هم مقصرند. هم اروپایی‌ها و هم آمریکایی‌ها. وقتی در برجام غنی‌سازی ۶۰ درصد داریم، چه کسی مقصر است؟ خودشان. سال آینده دور برجام هم تمام می‌شود. بنابراین باید صحبت‌ها و اعتمادسازی‌هایی از سوی ایران صورت بگیرد که ایران به‌دنبال بمب هسته‌ای نیست و این را بارها اعلام کرده است. اگر کسی در ایران مصاحبه کرده مبنایش بر این بوده که اگر ایران بخواهد مورد حمله قرار بگیرد، در سیاست‌هایش تجدیدنظر خواهد کرد، همان سیاستی که ایران در چند دهه گذشته اعلام کرده است. بنابراین دولت جدید با دیپلمات‌های ورزیده‌تر و مجوزهایی که خواهند گرفت، باید مذاکرات را پایه‌ای و استوار ادامه دهند که وضعیت به حالت امروز برنگردد.»

هم غرب هم شرق

فرجی‌راد با اشاره به نظر رئیس‌جمهور در حوزه روابط خارجی گفت: «هم باید غرب را داشته باشیم و هم شرق. غرب به‌ویژه اروپا که برای ما یک قاره مهم هم از نظر صادرات انرژی و هم از نظر سرمایه‌گذاری انرژی است. هیچ کشوری در دنیا به اندازه اروپاییان در چند سال اخیر در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری نکرده است. حتی در دوران تحریم داماتو، همین اروپایی‌ها بودند که آن را نادیده گرفتند و آمدند در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کردند. ما باید بیشترین سرمایه‌گذاری در رابطه با نفت، گاز و پنل‌های خورشیدی را از اروپا جذب کنیم. این مهم است و باید به آن توجه شود. ما در اروپا رقیب انرژی و صادرات آن را داریم و باید سعی کنیم جایگاه گذشته خود را به دست بیاوریم. این معنایش این نیست که باید رابطه خود با شرق را قطع کنیم. اتفاقا باید سعی کنیم رابطه خود را با شرق، چه روسیه و چه چین تقویت کنیم. چین امروز کشوری سرمایه‌گذار است؛ سرمایه‌گذاری است که اقداماتش زود نتیجه می‌دهد. بخش مهمی از سرعت توسعه کشورهای منطقه و حاشیه خلیج‌فارس مربوط به چین است. ما باید از این کشور استفاده کنیم. آنها نباید نگران باشند و ما هم نباید رهایشان کنیم. در دولت جدید باید اصرار شود که ما به توافق ۲۵ ساله با چین که یک سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری است برگردیم و مذاکرات جدی با چین در این زمینه داشته باشیم.»

تحلیل‌های غلط میلیون‌ها ایرانی را زیر خط فقر برد

این کارشناس مسائل ژئوپلیتیک نگرانی شرکت‌های چینی نسبت به احیای روابط ایران و غرب را بجا دانسته و گفت: «آنها تجارت‌پیشه‌اند و می‌خواهند ضرر نکنند. اگر روابط با غرب بهتر شود، آیا چین ضرر می‌کند و به روابط میان ما صدمه وارد می‌شود؟ خیر؛ البته اما این اتفاقا به نفع رابطه ما با شرق، روسیه، کره جنوبی، چین، هند و ژاپن است. اینها کشورهای مهم اقتصادی هستند. اگر ما بتوانیم با غرب به توافق برسیم و آن توافقی که پزشکیان می‌گوید باید بین شرق و غرب تعادل ایجاد کنیم معنایش این است که رابطه ما با شرق هم بهتر می‌شود. چون تحریم‌ها برداشته می‌شود و می‌توانیم با روسیه و چین و کره‌شمالی و ژاپن و هندوستان رابطه بسیار خوبی داشته باشیم. روزگاری نفت هندوستان را ما تامین می‌کردیم، اما متاسفانه الان غیر از ورود مقداری برنج کار دیگری در روابط تجاری ما با هندوستان صورت نمی‌گیرد؛ لذا اینها مسائلی است که باید به آن توجه شود. تا زمانی که این تفکر در کشور پیاده نشود، چه این دولت و چه دولت دیگر روی کار بیاید تجربه ثابت کرده است که وضع اقتصاد ما بد خواهد بود و از این هم بدتر خواهد شد. در دوره دوم دولت احمدی‌نژاد تحریم شروع شد و یک‌دفعه اوج تورم را شاهد بودیم. دلار هزار تومانی شد چهار هزار تومان و بر همه کالاها اثر گذاشت. دوره اول روحانی تحریم برداشته شد، رشد هشت تا ۱۱ درصدی رخ داد و وضع اقتصادی خوب شد. دوره دوم اما دیدیم که چه بلایی بر سر بورس آمد و مردم چه ضررهایی کردند و چه گرفتاری‌هایی درست شد. در دولت جدید هم باتوجه به اینکه در طول سه سال نتوانستند تحریم‌ها را الغو کنند و از فرصت‌ها استفاده نکردند و تا مرز امضای قرارداد رفتند و متاسفانه همین‌هایی که در مناظرات انتخاباتی ادعا داشتند، با بهانه‌هایی اجازه ندادند که آن توافق به‌خاطر جنگ اوکراین به امضا برسد. فکر کردند این جنگ باعث می‌شود قحطی انرژی در اروپا رخ دهد و در واقع اروپا یا غرب امتیازات بزرگی به ایران خواهند داد. این تحلیلی اشتباه بود و باعث شد میلیون‌ها ایرانی زیر خط فقر بروند. هندوانه‌ای که زمانی فقیرترین انسان در این مملکت می‌خورد، الان تبدیل به کالایی لوکس برای طبقه متوسط شده است.»

حتی می‌شود با ترامپ بهتر از بایدن معامله کرد

فرجی‌راد مثبت یا منفی بودن روابط ایران با اروپا و آمریکا را مشروط به تصمیمات مقامات ارشد و شورای عالی امنیت ملی دانست و گفت: «اگر دولت‌های سایه‌ای که در ایران درست شده، اجازه دهند و قصد بر این باشد که تحول اقتصادی در کشور رخ دهد، من معتقدم با ترامپ حتی می‌توان بهتر از بایدن معامله کرد. ترامپ حوصله مذاکرات طولانی سه‌ساله را ندارد. او فردی است که خودش بیشتر تصمیم‌گیر است و دنبال درگیری نیست و دنبال معامله است. ما لازم نیست حالا که مقامات ارشد کشور می‌خواهند، حتما رابطه سیاسی با آمریکا داشته باشیم. اما می‌توانیم با آمریکا گفت‌وگو کنیم و با آنها کار اقتصادی کنیم. می‌توانیم در خصوص مسائل منطقه با آمریکا معامله کنیم و تنش را کاهش دهیم. حتی لازم نیست از جبهه مقاومت دست برداریم. این از اصول اساسی انقلاب و مقامات ارشد کشور است و خیلی‌ها در داخل حتی رئیس‌جمهوری جدید هم به آن توجه دارد. من فکر می‌کنم جنگ غزه رو به پایان است و اسرائیل هم جرأت حمله به حزب‌الله را ندارد. بایدن و ترامپ هم چنین اجازه‌ای نمی‌دهند. آنها می‌دانند تخریب لبنان مساوی است با تخریب اسرائیل. ضمن اینکه منطقه را به نحوی به آتش می‌کشد که شعله این آتش فقط در لبنان باقی نمی‌ماند و در سوریه و عراق و اسرائیل و فلسطین و یمن و تنگه‌هایی مثل هرمز و باب‌المندب هم شعله‌ور می‌شود. کسی از این حوادث خوشش نمی‌آید. بنابراین اسرائیل در بگیر و ببند سیاسی داخلی متوقف شده و این تلاش‌های مذبوحانه‌ای هم که نتانیاهو می‌کند برای حفظ خودش است. دو روز پیش درخواست داده بود که محاکمه‌اش مقداری عقب بیفتد و دادگاه قبول نکرد. معلوم است این جنگ را برای چه ادامه می‌دهد. من فکر می‌کنم با ترامپ هم می‌شود گفت‌وگو کرد و نتیجه گرفت. مثل همان راهی که ترامپ با کره‌شمالی در پیش گرفت اما روس‌ها و بیشتر چینی‌ها خیلی دوست نداشتند که کره‌شمالی جلوتر برود. اما اینجا ما کشور مستقلی هستیم و می‌توانیم با معامله تنش را پایین بیاوریم و تحریم‌ها را الغو کنیم و به آنها هم اعتماد دهیم که ما به دنبال بمب هسته‌ای نیستیم.»

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: جهان امروز شباهتی به روزهای امضای برجام ندارد

این یک واقعیت است که مناسبات صحنه بین‌المللی به سرعت در حال تغییر است. این مناسبات حتی در فاصله یک سال گذشته هم تغییرات قابل توجهی داشته است. شروع جنگ اوکراین و حملات رژیم صهیونیستی به کلی اجماع بین‌المللی را تغییر داده و آمریکا هم به خاطر مداخله در جنگ اوکراین و رژیم صهیونیستی، مثل سابق توانایی حل چالش‌های جهانی را ندارد. باید توجه داشت آمریکای امروز شباهتی به آمریکای ۱۰ سال پیش و در زمان امضای برجام ندارد و جایگاه سابق را ندارد. این امری است که تیم سیاست خارجه دولت چهاردهم باید به آن توجه کند و از نگاه‌های انتزاعی فاصله بگیرد. در گفت‌وگویی که با حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل داشتیم، وی به چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی حال حاضر اشاره کرد و نقدهایی هم به رویکرد وزیر دولت روحانی وارد کرد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

ایده کذایی احیای برجام را به پزشکیان فروختند

حمیدرضا غلام‌زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل معتقد است کمپین انتخاباتی پزشکیان ایده غلطی را به او فروخت و گفت: «در رقابت‌های انتخاباتی، ایده‌ای را به غلط به پزشکیان فروختند. یک گعده کذایی احیای مذاکرات برجام را به ایشان فروختند. با مشورت‌هایی که کارشناسان غرب، که در راس آنها ظریف و کمپین تبلیغاتی پزشکیان قرار داشت؛ اول، برای ایشان تبیین نکردند صحنه‌ای که می‌خواهید مذاکره و گفت‌وگو کنید، چه صحنه‌ای است و این صحنه با ۱۰ سال پیش که مذاکرات برجام اتفاق می‌افتاد، تفاوت دارد. دوم، به ایشان نگفتند که اگر بگویید الان اولویت من مذاکره است، شاید بتوانید رای مردم را جذب کنید ولی برگ برنده‌تان در مذاکره خارجی را از بین می‌برید و اگر همین الان پای میز مذاکره بنشینید، یک به هیچ عقبید.»

ظریف می‌داند نمی‌تواند رای اعتماد بگیرد

غلام‌زاده در ادامه به این موضوع اشاره کرد احتمالا ظریف به خاطر هزینه‌ای که معرفی او به‌عنوان وزیر خارجه برایش به همراه خواهد داشت، گزینه وزارت خارجه نخواهد بود و توضیح داد: «پزشکیان علی‌القاعده ظریف را در وزارت خارجه نخواهد گذاشت و خود ظریف هم چون می‌داند نه می‌تواند رای بیاورد، نه می‌تواند دستاورد خوبی داشته باشد، ترجیحش این است پشت صحنه باشد و در مقام ارزیابی و مواخذه مثل استیضاح و رای اعتماد قرار نگیرد. لذا احتمال زیادی وجود دارد عراقچی گزینه اصلی وزارت خارجه باشد؛ همسویی خوبی با ظریف دارد، چهره متعادل‌تری در ساختار حاکمیت شناخته می‌شود و سابقه مذاکره هم دارد و نفر دوم مذاکرات بوده. نکته مهم اما این است آیا ایشان قرار است در سطح وزیر، مذاکره کند یا خیر. در دوره رئیسی این ملاحظه را داشتند و باقری معاون وزیر در مذاکرات قرار گرفت و مذاکرات در سطح وزیر انجام نشد و در سطح معاون وزیر انجام شد. به همین خاطر، عراقچی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد مطرح نخواهند شد. قاعدتا به خاطر ملاحظه‌ای که شورای امنیت ملی در نظر خواهد گرفت، به نظر نمی‌رسد مذاکرات در سطح وزیر خارجه اجرا شود. این چالش اولیه داخلی است و تبیین صحنه داخلی است.»

شکل‌گیری نظم نوین جهانی چالش فعلی نظام بین‌الملل است

غلام‌زاده به چالشی که دولت پزشکیان در عرصه بین‌المللی خواهد داشت اشاره کرد و توضیح داد: «در فضای بین‌الملل، فضای جهان به‌شدت تغییر کرده و بحثی که در شکل‌گیری نظم نوین جهانی دارید، بسیار جدی است. به شکلی هم نیست که در تعارفات اعتقادی و سیاسی بخواهد تعریف شود. قبل از اینکه در ایران جدی شود، مباحث آن در خارج از ایران از چندسال پیش مطرح شده است. چالشی که اروپا با آمریکا دارد. چند سالی است که در اروپا خصوصا از زمان کرونا به بعد، اروپایی‌ها با آن مواجه‌اند. شما چقدر قرار است دنباله‌رو آمریکا باشید و هزینه‌های آمریکا را بدهید. این هنوز منجر به انفکاک و استقلال عمل نشده، ولی به هرحال جزء چالش‌های ذهنی است. کما اینکه در سال ۲۰۲۰ و کنفرانس امنیتی مونیخ، محور اصلی در موضوع اروپایی‌ها (غربی شدن) بود؛ بحث مفصلی بود که گفته می‌شود غرب محور دنیا نیست. آن اولویت اروپایی‌ها را ندارد، آن آرمان‌ها و ارزش‌های غربی که مطرح بود، نه خود به آن عمل کردیم و نه دیگران قائل به اجرای آن هستند که بخواهند شبیه ما شوند. اینها چیزهایی بود که ارزش‌های غربی لیبرال دموکراسی در جنگ سرد، محور شکل‌گیری و قدرت‌گیری غرب فکری به رهبری آمریکا بود. در خود آمریکا چالش‌های داخلی فرهنگی و اجتماعی به جای خود اما در عرصه جهانی این چالش‌های اندیشه‌ای وجود دارد.»

بپذیریم آمریکا دیگر تنها قدرت جهان نیست

غلام‌زاده به این موضوع هم اشاره کرد که آمریکا در عرصه بین‌المللی دیگر تنها قدرت جهان به شمار نمی‌رود و توضیح داد: «در عرصه قدرت جهانی و نظامی هم آمریکایی‌ها دیگر آن توان سابق را ندارند و برای همه نیز این موضوع مشهود شده است. در نیم دهه اخیر، در جنگ‌های منطقه‌ای مثل افغانستان و عراق و سوریه و مصر، آمریکا کمترین تاثیر را داشته و توفیق زیادی در مدیریت صحنه نداشته است. آمریکایی که زمانی ادعای ابرقدرت بودن در تعیین‌تکلیف‌کردن پرونده‌های جهانی را داشت. در چالش‌های آمریکا در سیاست داخلی، رقابت‌های انتخاباتی قرار دارد که وضعیت نابسامانی دارد و این هم تعارف سیاسی نیست. با معیارهای خودشان هم شرایط بغرنج است. یک رئیس‌جمهور مستقر دارند که در مورد سلامتش تردید وجود دارد و در مورد رقابت‌ها نیز تردید جدی وجود دارد. رقیب او هم کسی مثل ترامپ است که به لحاظ داخلی با آن آرمان‌شهر جامعه آمریکا، چهره مطلوبی نیست. در موضوع ما هم بحث برجام مطرح است که تکلیفش معلوم است؛ ترامپ از مذاکرات خارج شده است. احتمال می‌دهم طیفی که طرفدار مذاکره هستند، قائل به این باشند ترامپ روحیه تاجرمسلکی دارد و به خاطر این روحیه تجاری راحت‌تر می‌توان با او بده‌بستان کرد و به توافق و معامله رسید که این هم بحث غلطی است. اینکه عرض می‌کنم صحنه واقعی را باید ببینیم یعنی ابتدا بپذیریم که آمریکا دیگر تنها قدرت جهان نیست، یکی از قدرت‌هایی است که در دنیا وجود دارد. همانقدر که روسیه و چین و اروپا و دیگر کشورها هستند، خود ایران است. همه اینها بازیگران موثری هستند. قدرت پخش شده و دیگر تنها در اختیار یک یا چند کشور نیست. قدرت منطقه‌ای و ائتلافی شده و صحنه قدرت تغییر کرده است. بله زمانی آمریکا تحریم می‌کرد، اقتصاد را متحول می‌کرد و در اقتصاد کشور تاثیر می‌گذاشت. الان این‌طور نیست. اظهارات بلینکن و مالی در سال‌های قبل و دو سه سال اخیر را می‌بینید که گفتند ایران دو میلیون بشکه نفت می‌فروشد و ما نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم. نه تحریمی کم کردیم و نه برخلاف آن چیزی که ظریف در تبلیغات انتخاباتی به پزشکیان گفت، آمریکا اذعان می‌کند که ما نمی‌توانیم جلوی فروش نفت ایران را بگیریم. نکته این است که ظریف و امثال ایشان باور ندارند صحنه قدرت جهانی تغییر کرده و همچنان فرض‌شان این است آمریکا ابرقدرت است. به همین خاطر نمی‌توانند باور کنند ایران بدون تایید آمریکا و علی‌رغم مقاومت آمریکا، توانسته روابط تجاری‌اش را توسعه دهد و صادرات نفتش را افزایش دهد، ولو با این ادعا که به قیمت ارزان‌تر بفروشد. حتی اگر چنین چیزی هم باشد، نرخ‌ها در قانون بودجه مشخص است. این اتهامی که ایشان می‌زند، قابل اثبات نیست. به هرصورت این هم یک تکنیک دورزدن تحریم و خنثی‌سازی تحریم است. مهم این است سازوکار برای مقابله با تحریم ایجاد شده است. وقتی این دیوار ترک اول را خورد، می‌شود آن را ادامه و کل تحریم را شکست داد.»

ظریف درک درستی از قواعد دیپلماسی ندارد

غلام‌زاده نقدی به رویکرد جواد ظریف در سیاست خارجه وارد کرد و گفت: «رویکردی که در ظریف می‌بینیم، در ایام انتخابات به خصوص گفت‌وگویی که بین ظریف و ایزدی در مورد برجام بود، دوباره بازتاب پیدا کرده است. ظریف معتقد بود آمریکا نمی‌تواند، خارج شود و قواعد بین‌المللی داریم و الی آخر. قواعد بین‌المللی، وحی منزل نیست. مشکل این است که آقای ظریف و برخی از دوستان وزارت خارجه، تصورشان این است قواعد بین‌المللی وحی منزل است و حتما باید آن را پذیرفت. همین شورای امنیت و سازمان ملل، علیه رژیم صهیونیستی قطعنامه صادر کرد. آب از آب تکان نخورد و هیچ اتفاقی هم علیه رژیم صهیونیستی نیفتاد و رژیم هم کشتار و رویکردش را تغییری نداده است. چرا؟ چون بلد است در عرصه دیپلماتیک نبرد خود را در میز دیپلماسی پیش ببرد. چون این باور را ندارد که سازمان‌های بین‌المللی به ما دیکته می‌کنند و بالاتر از ما هستند. باور درست و دیپلماتیک این است که سازمان‌ها و روال‌های بین‌المللی باید در خدمت منافع ملی ما باشند. مادامی که در خدمت منافع ملی باشند، خیلی هم خوب است. به محض اینکه خلاف منافع ملی ما شد، باید از آن پرهیز کنیم و می‌توانیم با آن مخالفت کنیم. این زمانی اتفاق می‌افتد که شما در ظرفیت داخلی خودتان قدرت را نهادینه کرده باشید. ولی وقتی موضع شما این باشد که اگر تحریم‌ها برطرف نشود، اقتصاد درست نمی‌شود و این را تنها راه معرفی کنید، طبعا طرف مقابل هم می‌گوید من تحریم‌ها را برنمی‌دارم تا از تو امتیاز بگیرم. دوستان نمی‌خواهند این را باور کنند. نمی‌دانم چه حکمتی پشت آن است ولی علم روابط بین‌المللی آن را برنمی‌تابد.»

اولویت‌گذاری روی اروپا شرط بندی از پیش باخته است

غلام‌زاده در ادامه درباره اینکه روی کار آمدن چپ‌ها در برخی کشورهای اروپایی مثل فرانسه و انگلیس چقدر در روابط با ایران تاثیر می‌گذارد، گفت: «اروپا به معنی اتحادیه و چند کشور خاص، چه در دوران ترامپ چه در دوران بایدن، نشان داد که تابع و دنباله‌روی آمریکاست و به‌عنوان بازیگر مستقل، رفتار نمی‌کند. این را باید مورد توجه قرار دارد. اما چیزی که در انتخابات اخیر در اروپا می‌بینیم این است که، جریان راست دارد قدرت می‌گیرد اما افراطی‌های راست و چپ دارند قدرت می‌گیرند. در انتخابات فرانسه اگر چپ‌ها ائتلاف نمی‌کردند، راست قدرت مطلق را به دست می‌آورد. ائتلافی کرده‌اند که جلوی لوپن و تیم اطرافش را بگیرند اما به هرصورت، حزب خانم لوپن و راست‌ها به نسبت قبل، قدرت بیشتری پیدا کرده‌اند. چپ‌ها هم با ائتلافی که کرده‌اند، قدرت بیشتری پیدا کرده‌اند و میانه‌روهایی مثل آقای مکرون تضعیف شده‌اند. در انگلیس هم همین‌طور است. در ایتالیا و مجارستان و کشورهای مختلف اروپا، دو سر رادیکال راست‌گرایی و چپ‌گرایی تقویت شده و این به سمت دوقطبی رفتن را در سیاست‌های اینها نشان می‌دهد. بخشی از این ماجرا به خصوص کشورهایی که گرایش راست بیشتری پیدا کرده‌اند، به سمت ملی‌گرایی رفتن و پرهیز از مداخلات بین‌المللی است و تمرکزی که می‌تواند در داخل کشور ایجاد شود. فرانسه و انگلیس هنوز به این سمت نرفته‌اند و جلوی لوپن را گرفتند و حزب راست نتوانست قدرت اکثریت را پیدا کند. ولی این چالش‌ها در دولت بعدی فرانسه وجود دارد، لذا روی اینها نمی‌توان به‌عنوان طرف‌های مذاکره حساب کرد. کشورهایی هم نیستند که بخواهند با ایران، روابط اقتصادی خاصی داشته باشند. نهایتا در سه کشور اصلی مذاکرات در اروپا؛ انگلیس و فرانسه و آلمان، تنها در فرانسه تعدادی همکاری‌های اقتصادی داشتیم. اگر بخواهیم به سمت شرکت‌هایی مثل پژو و رنو و شل که به ایران آمدند و بلافاصله از برجام خارج شدند و خسارت هم ندادند، برویم، خسارت محض است. چرا باید به سمت اینها برویم. با بقیه هم روابط اقتصادی خاصی تعریف نشده است. لذا اولویت‌گذاری روی اینها شرط‌بندی ازپیش باخته است. بله ظرفیت‌های دیگری وجود دارد که می‌شود با آنها کار کرد و معطل این فضاهای سیاسی هم نیست که بخواهد تنش داخلی اینها احیانا برجام را تحت تاثیر قرار دارد. ضمن اینکه اروپایی‌ها جزء کشورهایی هستند که سال گذشته تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی برداشته شد، خودشان مجددا علیه ایران تحریم وضع کردند و احتمالا در سال بعد هم بخواهند مکانیسم اسنپ‌بک را فعال کنند. با این اوصاف گزینه‌ای که احتمالا مدنظر دوستان است و می‌خواهند آن را به‌عنوان تنها راه‌حل مطرح کنند، این است که امتیاز بیشتر بدهیم؛ که مذاکره کنیم، که بعد مسیر باز شود، که بخواهیم با اینها همکاری کنیم که نهایتا یک تکانه و دست‌اندازی بیندازند و بروند. فهم صحنه بین‌المللی و سازوکارهای بین‌المللی از جایگاه قدرت و خودباوری راه‌حلی است که می‌توانیم به آن برسیم، چه بخواهیم در مورد هسته‌ای مذاکره کنیم، چه معاهده تجاری با یکی از کشورها انجام دهیم. مهم این است که شأن و جایگاه خودمان را بدانیم. دولت آینده باید همان‌طور که دولت آقای رئیسی جلو رفت و شأن بین‌المللی ایران را ارتقا داد، با همان روال جلو برود و اعتماد به نفس بین‌المللی جایگاه ایران را احیا کند و توسعه بدهد و براساس آن مذاکره کند.» غلام‌زاده اشاره‌ای هم به پیام مسعود پزشکیان به سید حسن نصرالله داشت و گفت: «مساله این است که چقدر پزشکیان بتواند روی این موضوع سوار شود. موضع شخص پزشکیان در این موضوع، منطقی و اصولی است و کاملا در چهارچوب‌های درست جمهوری اسلامی قرار دارد. ولی اگر بتواند به حرفش عمل کند و به پیام خوبی که به آقای نصرالله داد، پایبند باشد و اجرایی کند، کفایت می‌کند. البته که بحث سیاست خارجی در شورای عالی امنیت ملی است و موضوع منطقه هم موضوعی نیست که با تعارفات جلو برود و ما چاره‌ای جز حمایت از مقاومت نداریم.»

حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: اظهارات جان کربی گرانفروشی است

حسن بهشتی‌پور معتقد است آنچه جان کربی در اظهاراتش مطرح کرد با واقعیت عملکرد آمریکا فاصله قابل‌توجهی دارد و باید مسیر مذاکره را پیش‌گرفت. او معتقد است باید پذیرش اف‌ای‌تی‌اف، احیای برجام و مذاکره با آمریکا در اولویت سیاست خارجی دولت چهاردهم قرار گیرد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

باید منتظر تیم سیاست خارجی آمریکا بمانیم

بهشتی ابتدا به اولویت‌هایی که دولت چهاردهم باید مورد توجه قرار دهد، اشاره کرد و گفت: «همان‌طور که خود مسعود پزشکیان اعلام کرده به نظرم لغو تحریم‌ها ازجمله مسائلی است که پیگیری خواهند کرد و به زندگی مردم ایران هم مرتبط است. امیدوارم بتوانند تحریم‌ها را لغو کنند. از آن طرف توسعه مناسبات با کشورهایی که با ایران رابطه دارند، مانند کشورهای روسیه، چین، هند و کشورهایی که در دولت آقای رئیسی با ما مشکل پیدا کردند مانند کشورهای اروپایی. البته به باید احیا و بازگشت رابطه با کشورهای اروپایی در اولویت باشند؛ چراکه به نفع ایران است همزمان هم با کشورهای آسیایی و هم کشورهای اروپایی رابطه داشته باشد. منظورم از کشورهای اروپایی کل اتحادیه اروپاست و نه‌فقط فرانسه یا آلمان. در مجموع این دو مساله در اولویت است. درباره اف‌ای‌تی‌اف نیز اگر مسعود پزشکیان، بتواند مجمع تشخیص مصلحت را قانع کند که این موضوع را از بلاتکلیفی دربیاورند، خوب است. مجلس دهم مواضع بسیارخوبی روی آن دو معاهده گذاشته بود. معاهده پالرمو تا الان امضا شده و فکر نمی‌کنم آن‌گونه ضرری به امنیت ملی و منافع ملی ما بخورد. به‌ویژه اینکه ملاحظات مجلس دهم در آن وارد و گفته شده در جایی که در تعارض با قوانین داخلی است، اصل بر قوانین داخلی قرار بگیرد. همچنین موضوعات دیگری وجود دارند اما معتقدم اگر این موارد را در اولویت قرار دهند، بسیار خوب است. ضمن اینکه باید منتظر باشیم و ببینیم تیم سیاست خارجی مسعود پزشکیان چه کسانی هستند و رویکردی که انتخاب می‌کنند، چیست. در آن شرایط درباره آینده بهتر می‌توان قضاوت کرد.»

دیپلمات‌ها به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند

بهشتی‌پور درباره اظهارات کربی در مورد مذاکره با ایران توضیح داد: «دیپلمات‌ها به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند، بلکه به آنچه نمی‌گویند عمل می‌کنند! جان کربی هم یک دیپلمات حرفه‌ای است و حرف زیاد می‌زند و این نیز یکی از گرانفروشی‌هایی است که کرده، یعنی می‌خواهد از موضع بالا بگوید ما نیازی به گفت‌وگو و مذاکره با ایران نداریم. حرف است دیگر. اما در عمل مطمئن باشید آمریکا به‌دنبال گفت‌وگو و مذاکره با ایران است؛ چه در دولت جدید و چه در دولت قبلی. موضع ما باید این باشد که بدانیم این حرف‌ها حرف‌های دیپلماتیک است و گرانفروشی می‌کنند.

ما هم در پاسخ حرف می‌زنیم. سخنگوی ما هم پاسخ می‌دهد، یعنی شما این حرف‌ها را ملاک مواضع سیاسی دولت مسعود پزشکیان یا دولت بایدن یا ترامپ قرار ندهید. این حرف‌ها حرف‌هایی است که برای رسانه‌ها مطرح می‌شود. در عمل دیپلمات‌ها امور دیگری را دنبال می‌کنند. مهم این است که اتفاقا مسعود پزشکیان نیز در مناظرات به آن تکیه داشته، اگر قرار است مذاکره کنیم باید مذاکره ما عزتمندانه باشد. مذاکرات عزتمندانه براساس حکمت و مصلحت کشور خواهد بود. عزت هم وقتی گفته می‌شود، یعنی تمامی توانمندی‌های نظامی، هسته‌ای، علمی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک را با هم شامل می‌شود. در سخنرانی اخیر نیز تاکید کرد ملاک یک کشور تنها توانمندی نظامی آن نیست، بلکه مجموعه‌ای از قدرت ملی است، بنابراین من فکر می‌کنم بسیار مهم است. ما به این مساله توجه داشته باشیم که برای رفع تحریم‌ها راهی جز مذاکره وجود ندارد. همچنین این مذاکره براساس قدرت، عزتمندانه باشد. این قدرت، قدرت ملی است، یعنی اتکا به مردم است و نه اتکا به قدرت‌های جهان. کشوری موفق است که به مردمش تکیه کند. همچنین کشوری در مذاکرات موفق است که با دست پر حاضر شود، یعنی توان اقتصادی، نظامی و هسته‌ای آن بالا باشد و اجازه ندهد در این زمینه‌ها طرف مقابل، قدرت ایران را محدود کند. این مساله هم شدنی است. باید تدبیر کرد. دیپلماسی هزار راه نرفته دارد. برخی از آن نیز در رسانه‌ها مطرح نمی‌شود.»

روی کار آمدن حزب کارگر و محافظه‌کار در انگلیس تفاوت فاحشی برای ایران به همراه نداشته

بهشتی‌پور درمورد اینکه روی کار آمدن چپ‌ها در اروپا مثل دو کشور فرانسه و انگلیس، چقدر روی روابط آنها با ایران تاثیر خواهد گذاشت، گفت: «به نظر من چپ‌ها در فرانسه به قدرت نرسیدند. فرانسه نظامی ریاستی است و نه پارلمانی، یعنی رئیس‌جمهور قدرت اول کشور است و اختیارات بسیار وسیعی دارد، بنابراین هنوز راست‌میانه در فرانسه در قدرت است. البته در انتخاباتی که برگزارشده، نشان دادند آن شکست مفتضحانه‌ای که در اتحادیه اروپا از راست‌ها خورده بودند، در داخل فرانسه جبران شد. مساله راست‌گرایی در اروپا نیز وجود دارد و واقعیت است. اما مساله این است که دولت انگلیس و فرانسه، تمام اروپا نیستند و کشورهای اروپا بیشترند و ایران می‌تواند با همه این کشورها، جدای از اینکه راست است یا چپ است یا راست‌میانه است، رابطه داشته است. در گذشته همه را تجربه کرده است. اکنون راست در مجارستان قدرت بسیاری دارد ولی رابطه‌اش با ایران بد نیست. قصدم این است که بگویم این ملاک‌ها برای کل اروپا نیست و تک‌تک کشورها را باید بررسی کرد. همچنین در انگلیس اکنون حزب کارگر بعد از ۱۴ سال روی کار آمده است. آن هم به‌دلیل افتضاحی که در عملکرد محافظه‌کاران وجود داشت. مرتب دولت تغییر کرد و از طرفی بیرون رفتن‌شان از اتحادیه اروپا باعث زیان‌های هنگفت شد. بنابراین چپ‌های انگلیس با چپ‌های فرانسه فرق دارند؛ چراکه در فرانسه چپ به معنای حزب کمونیست و حزب سوسیالیست است اما در میان حزب کارگر چپ‌های تندرو به سوسیالیست‌های میانه‌روی کارگر نزدیک‌ترند تا کمونیست. بنابراین واقعیت این است که در گذشته و در ۴۵ سال اخیر که بررسی کنیم، چه حزب کارگر سرکار آمده و چه حزب محافظه‌کار، رابطه‌شان با ایران رابطه یکسانی بوده و خیلی برای ایران تفاوتی نکرده که چه کسی سرکار باشد. قصدم این است که بگویم اگر واقع‌بینانه بخواهیم نگاه کنیم، تحولی که در انگلیس اتفاق افتاده بیشتر در داخل انگلیس بوده تا سیاست‌های خارجی این کشور. حالا مساله سر این است که اگر ترامپ بر سر کار بیاید، آن وقت کار کردن با حزب کارگر برای ایران مشکل‌تر است، یعنی اگر حزب محافظه‌کار در انگلیس بر سر کار بود، آنها بهتر علیه ایران متحد می‌شدند ولی کار با وجود حزب کارگر و ترامپ بسیار مشکل‌تر و دشوارتر است. حالا باید دید در آمریکا ترامپ به قدرت می‌رسد یا نه؟ در سیاست البته تحولات بسیارسریع است و قابل‌پیش‌بینی نیست و فکر می‌کنم حداقل باید سناریوهای مختلف را درنظر گرفت.»

این بی‌تفاوتی...

مرتضی قربانی
فعال فرهنگی

جامعه بی‌تفاوت از جامعه عصیانگر هم خطرناک‌تر است. آژیر خطر این اتفاق چندسالی است که به صدا درآمده و هیچ‌کس مسئولیت آن را گردن نمی‌گیرد. از ۱۰ سال گذشته تعداد افرادی که در این جامعه قرار گرفته‌اند بیشتر و بیشتر شده تا جایی که در مهم‌ترین اتفاق سیاسی کشور ۶۰ درصد مردم، بی‌اهمیت به اتفاقی که برایشان خواهد افتاد یا گوشه رینگ غر زدند و رد شدند یا صرف یک شنونده اخبار از کنارش عبور کردند. این بی‌تفاوت شدن جامعه نسبت به مسائل مهمی که در کنارش اتفاق می‌افتد نتیجه سال‌ها بی‌تفاوتی دولت‌ها نسبت به خانواده است.

شاید شما که هم سن و سال من هستید یادتان می‌آید که اگر در سال‌های گذشته در خانواده، اتفاقی برای یکی رخ می‌داد همه جمع می‌شدند تا مشکل را حل کنند. کافی است دور و بر خودمان را نگاه کنیم، به‌وضوح دیده می‌شود حالا حتی در یک خانواده چهار نفره، نسل جدیدش کمتر به مسائل خانواده اهمیت می‌دهد و بیشتر به دنبال حل مشکلات خودش است. به تفریحات خودش فکر می‌کند و به این فکر می‌کند همین که بار مالی خودش را از دوش خانواده برداشته، کافی است. جامعه‌ای که حتی حق رای خود را نادیده می‌گیرد و برایش فرقی ندارد چه‌کسی در راس قدرت برای اداره جامعه قرار می‌گیرد، از جامعه‌ای که سعی می‌کند صدای اعتراض خودش را برساند خطرناک‌تر است. این مدل به افرادی که هنوز در دوقطبی‌های مختلف رودرروی هم قرار می‌گیرند اجازه می‌دهد هرکدام که زورشان رسید در راس قدرت قرار بگیرند و نهایتا هر سال بخشی از این دوقطبی‌ها هم به جامعه بی‌تفاوت ملحق می‌شوند؛ چراکه سرخورده از شکست شده یا حتی جایی برای رسیدن به قدرت پیدا نمی‌کنند. جامعه‌ای که حتی کوچک‌ترین مساله‌اش دوقطبی می‌شود و عده‌ای به‌خاطر تفکرات چپ و راستی بر سر هم می‌زنند، روزبه‌روز فردگراتر خواهد شد.

اصلا قصد این را ندارم که جامعه را مقصر این اتفاق بدانم نه، اما خانواده‌ها دیگر مثل قبل نیستند. وقتی پدر نتواند مسائل اقتصادی خانواده را به تنهایی حل کند یا خانواده باید بسازد و بسوزد یا هریک از اعضای خانواده برای رسیدن به خواسته‌هایش دست به کار شود. که هردوی این اتفاق‌ها نهایتا منجر به دلسردی، خستگی و کم شدن همبستگی می‌شود. متاسفانه در سطحی‌ترین مسائل هم دوقطبی ایجاد می‌شود. نمی‌دانم اشکال از کجاست اما عده‌ای دوست دارند مملکت ورزشگاهی اداره شود. طرفداران دو تیم آنقدر به سر و کله هم بزنند که بالاخره یکی پیروز شود. برایشان مهم نیست که یک‌عده زیادی بیرون ورزشگاه مساله‌شان اصلا این دو تیم نیست و اصلا به اینکه چه کسی به صدر جدول تکیه زده اهمیت نمی‌دهند.

آقایان ۶۰ درصد مردم در جناح خودشان زندگی می‌کنند؛ جناح بی‌تفاوتان. متضاد عشق و همبستگی نفرت نیست، بی‌تفاوتی است. دریابیدشان.